

نمونه‌های شعر امروز افغانستان

به کوشش: دکتر چنگیز پهلوان

بیست و نه صفحه مقدمه و ۳۵۱ صفحه متن

چاپ اول: ۱۳۷۱

ناشر: بنیاد نیشابور

تلاش‌های فردی در زمینه‌های فرهنگ، زبان و ادبیات مشترک، بدون تردید از فصل‌های پر بار، روشن و سازنده تاریخ روابط فرهنگی ایران و افغانستان در دوره معاصر است. برجستگی این کوشش‌ها به ویژه در مقاطعی که عوامل دیگر مانند جنگ، سیاست، اقتصاد و... بر مسائل فرهنگی سایه می‌افکنند بیشتر از هر زمان دیگری آشکار می‌شود، و اگر از شائبه‌های دیگر به دور بماند به سبب قابلیت‌های پذیرش و تأثیر، زنگار عوامل عارضی و مقطعی دیگر را می‌زداید و بسا که بسیاری از آنها را تعدیل می‌کند.

نمونه‌های شعر امروز افغانستان تلاش سازنده دیگری است که با نگرشی فراتر از داوری‌های روزمره و مقطعی به همت دکتر چنگیز پهلوان در مجموعه انتشارات بنیاد فرهنگی نیشابور در بهار امسال به بازار فرهنگ و ادب عرضه شده است. دکتر پهلوان به سبب کارهای مشخصی که با سخت‌کوشی قابل ستایشی در سالیان اخیر درباره افغانستان انجام داده است برای غالب افغانستانی‌ها چهره‌ای آشناست. پیش ازین نیز مجموعه گزارش‌های او را درباره زندگی مهاجران افغانستان علی‌الخصوص از جنبه‌های فرهنگی و تأثیرات متقابلی که ناگزیر مهاجرتی اینچنین گسترده، دیرپای و پراکنده در سراسر جمهوری اسلامی ایران است، خوانده‌ایم که به سبب محتوای غنی و خاستگاه فرهنگی و روحیه علمی و تحقیقی و برخورداری از آینده‌نگری آگاهانه، تأثیری بسزا بر جای گذاشت. در زمستان سال ۱۳۷۰ نیز مجموعه دیگری از استاد و گزارش‌های

مربوط به مهاجران افغانستان پیوست زمینه‌ی ایران‌شناسی را از وی دیدیم و خواندیم. این بار تعداد ۵۳ عکس که زوایای مختلف زندگی مهاجران را از هر طبقه و صنف در گوشه و کنار ایران نشان می‌داد، به ضمیمه گزارش چاپ شده بود.<sup>۱</sup>

به یمن همین سیرت و سان، افغانستانی‌های مهاجر در ایران و داخل و خارج افغانستان، تلاش‌های مجدّانه او را در طی این سالهای جنگ و جهاد و مهاجرت، ارج می‌نهند و احترامی که نسبت به او ابراز می‌شود از صمیمیت سرشار است. بدینگونه پهلوان دیگر تنها همزیان و همفرهنگ و همکیش و... نیست بلکه همدرد، همدل و یاری دانااست. دکتر پهلوان در سایه این تلاش فردی بی‌مزد و منت توانست شنونده آن بخش از شکر و شکایت مهاجران افغانستانی باشد که در عرف نشست‌ها و ملاقات‌های رسمی و سیاسی جایی ندارد. دکتر پهلوان هر چند نه آسان، سرانجام از پل همزیانی به سرزمین پررزم و راز همدلی گام نهاد. چنین است که درین سرزمین، هر صدایی فارغ از قیود اعتبارات تحصیلی، طبقاتی، شغلی و امثال آن، از آنجا که راه به بنیان‌های دیرپای فرهنگ مشترک از گذشته تا آینده می‌برد، قابل شنیدن و ضبط کردن است و هر سیمایی درخور ثبت کردن، و آنچه در پایان کار به دست می‌آید مجموعه‌ای از استاد و مدارک معتبر و دست‌اول برای تحقیق و بررسی سیر تأثیرات مهاجرت در سرزمین همزیان و همفرهنگ میزبان و طبقه‌بندی‌ها و تحلیل علمی و فنی است.

باری، پیش از مقدمه دکتر پهلوان، استاد فریدون جنیدی یادداشت فشرده‌ای نگاشته‌اند که نه تنها نماینده احساس پاک ایشان است بلکه این احساس سراسر اقالیم زبان و فرهنگ و ادب فارسی دری را نیز در بر می‌گیرد و طبعاً با متن کتاب و هدف گردآورنده سازگاری تمام دارد. اما دیدگاه‌های عمده مؤلف را در مقدمه کتاب اینگونه می‌توان برشمرد:

ایجاد زمینه شناخت بهتر و بیشتر و در نتیجه دانش چگونه زیستن با یکدیگر، ایجاد حرکت تازه، غنای مجموعه‌های ناشران ایرانی، سعادت بیشتر فارسی‌زبانان، عدم اطلاع و آگاهی درست سخنسرایان ایرانی از کم و کیف دگرگونی‌های شعر معاصر افغانستان، تأثیرپذیری شاعران افغانستان از شاعران ایران، سرشت ویژه شعر فارسی در افغانستان، نیاز به درون‌فهمی و پرهیز از ارزش‌داوری، نبودن استاد کافی برای داوری‌های درست، برانگیختن توجه عمومی به حوزه ادبی فارسی دری در همسایگی ایران (یازده - دوازده) و بالاخره این که هدف گردآورنده انتشار بهترین برگزیده نبوده بلکه «این بوده و هست که بتواند ایرانیان را بیش از گذشته به قلمرو زبان فارسی علاقمند گردانده» (دوازده).

کار دیگری که مؤلف با ظرافت خاص در مقدمه انجام داده است، نقل نظرات و آراء شاعران افغانستانی درباره شعر و شعر امروز افغانستان است. به این ترتیب کوشیده است دریچه‌ای بر

روی خوانندگان مجموعه، از نگاه پدیدآورندگان و نحوه تلقی آنان بگشاید تا از یک سوی از ارزشدواری‌ها و قضاوت‌های شتاب‌آلوده و مبتنی بر مقایسه پیش‌گیرد و از سوی دیگر، زمینه‌ای ویژه برای نقد این مجموعه در اختیار خواننده قرار دهد.

محورهای عمده این گفتارها و اظهارنظرها را اینگونه می‌توان خلاصه کرد:

۱- تقسیم شاعران در سیزده سال اخیر به دو گروه داخل و خارج و در نتیجه تجربه‌ای دوگانه از نظر مضمون و محتوا.

۲- نوسرایان و کهنه‌گرایان که پیروان آن را در هر دو گروه می‌توان یافت.

۳- تأثیر شعر و وظیفه شاعران در سالهای جهاد و مقاومت.

۴- مضمون غالب در شهر مهاجران و شعر شاعران داخل افغانستان.

۵- دوره‌های تغییر در معانی و مضامین هر دو گروه.

۶- گروهی که فقط عاشقانه می‌سرایند.

۷- تاریخچه کوتاه شعر معاصر افغانستان که بر زمینه عوامل اجتماعی و زمانهای تاریخی استوار است (صص شانزده تا نوزده).

۸- تأثیر مهاجرت در شعر و ادب (صص نوزده).

۹- نقد شعر معاصر افغانستان بر مبنای تحولات اقتصادی (صص بیست و یک و بیست و دو).

۱۰- تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر معاصر افغانستان و شاعران ایرانی مطرح، از دید هر دو گروه.

در این مجموعه، از شعر بیش از شصت شاعر نمونه‌هایی به دست داده شده است. گردآورنده خود معترف است که شعرهای این دفتر فاقد طبقه‌بندی خاص مجموعه‌های شعر است؛ اما همین نبود طبقه‌بندی با نیات گردآورنده سازگاری دارد، زیرا وی بر آن نیست که نمونه‌های معین از شعر فارسی دری افغانستان را ارائه کند بلکه قصد آن دارد که همه گروه‌ها و افراد را تا آنجا که میسر بوده است - همچنان که در جامعه افغانستان حضور دارند - در کنار یکدیگر جای دهد. به همین دلیل باورهای اعتقادی، اجتماعی و سیاسی تمام شاعران، محترم داشته شده و از اعمال محدودیت‌های خاص پرهیز شده است و حتی به طبقه‌بندی شاعران مهاجر و مقیم نیز با وجود تفاوت‌هایی که در کار آنان هست تن در نداده و تقدم و تأخر نام و شعرشان را به شناخته‌ترین روش تنظیم دفترها، یعنی ترتیب الفبایی بازگذاشته است. بر اساس چنین دیدگاهی گزارش حال و کار شاعران این مجموعه از قلم خود آنان نقل شده است که گاه کوتاه و گاه تفصیلی تر است. از نظر گروه‌های سبکی نیز در میان شاعران تفاوتی وجود ندارد.

نکته دیگر طریق دسترسی دکتر پهلوان به اشعار این مجموعه و فقدان دفترهای شعر شاعران افغانستان یا کمبود آن است. بسیاری از آنچه که درین مجموعه آمده است آنهایی است که خود شاعران، چه مهاجر و چه مقیم، در اختیار گردآورنده قرار داده‌اند و برخی دیگر را مؤلف از مجموعه‌های منتشرشده یا مجله ژوندون انتخاب کرده است و این خود توجه‌گر افزایش و کاهش عدد شعر شاعران درین دفتر است. توزیع کمی اشعار و تذکرات جابه‌جای مؤلف در حواشی صفحات مختلف نشان می‌دهد که وجود مجموعه‌ها و دسترسی بدانها تا چه اندازه می‌تواند در بهبود کیفیت و کمیت و انتخاب نمونه‌های متنوع‌تر، دست مؤلفان را باز بگذارد. به همین سبب از شاعرانی که دارای دفترهای شعر منتشرشده بوده‌اند و گردآورنده بدانها دسترسی داشته است قطعات بیشتری نقل شده است که از قضا بیشتر از شعرای داخل افغانستان‌اند و کمتر از شاعران مهاجر، چنان که در نمونه‌های نقل شده از واصل‌بختری (۲۶ - ۳۵، جمعاً نه قطعه)، لطیف پدram (۳۸ - ۴۴، هفت قطعه)، عبدالکریم تمنّا (۷۸ - ۸۵، ده قطعه)، رفعت حسینی (۸۷ - ۹۳، هفت قطعه)، لیلا صراحت روشنی (۱۷۶ - ۱۹۰، چهارده قطعه)، قهار عاصی (۱۹۲ - ۲۰۶، سیزده قطعه)، لطیف ناظمی (۲۶۹ - ۲۷۷، یازده قطعه)، عبدالله نائبی (۲۸۰ - ۲۸۹، هشت قطعه)، نوید (۳۰۰ - ۳۰۶، هشت قطعه) و ثریا واحدی (۳۱۴ - ۳۲۴، هشت قطعه).

پایان بخش نمونه‌ها، مجموعه‌ای از دوبیتی یا ترانه‌های محلی به گویش هزارگی است که «اشعار شاعران هزاره» نام گرفته است (۳۴۲ - ۳۵۱). این ترانه‌ها که از کهن‌ترین صورت‌های شعر در ادب فارسی دری است غالباً گویندگان مشخصی ندارد. هر چند برخی از موارد آن با موضوع عاطفی یا حادثه تاریخی پیوند دارد - انواع آن را گاه با محتوای مشابه و موضوع واحد در گویش نواحی مختلف افغانستان می‌توان یافت که پیر و جوان و زن و مرد به آن ترزبان‌اند. بخشی ازین ترانه‌ها در سال‌های قبل از اشغال گردآوری شده است اما هنوز جای اکثریت آنها در میان آثار مکتوب از ادبیات محلی خالی است. به هر حال شعر هزاره، جز در مواردی که با گویش هزاره همراه است با شعر دری سایر گروه‌های قومی در قالب و شکل تفاوتی ندارد، چنان که یک نمونه آمیخته آن را که بعضی از اصطلاحات و واژگان هزارگی در آن آمده است و اثر طبع حاج محمد یوسف امین است در صفحات ۱۸ و ۱۹ می‌توان دید. ناگفته نماند که معمولاً این ترانه‌ها را با آوانویسی و زیرنویس ترجمه‌گونه همراه می‌کنند تا برای گروه‌های خوانندگان قابل خواندن و التذاذ باشد. به هر حال نقل این ترانه‌ها در مجموعه حاضر نشانه توجه مؤلف است به حضور گسترده اقوام هزاره در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و جهاد افغانستان و دلیل محبت و احترام گردآورندگان و تقدیم‌کنندگان آنها به دکتر پهلوان.

ناگفته پیداست که انتشار مجموعه‌های شعر، بنا بر اهداف و مقاصد گردآورندگان متفاوت

است و جای پای این تفاوت‌ها را حتی در یک موضوع معین نیز به سبب اعمال ذوق و سلیقه و پسند مؤلفان، می‌توان یافت. مجموعه‌ای که دکتر پهلوان گردآوری کرده است تا حدود زیادی با آنچه که ازین کار در سر داشته است مطابقت دارد و آن را فقط و فقط باید از همین دیدگاه مورد بررسی قرار داد و نه دیدگاه‌های مختلف دیگر که نقض غرض خواهد بود. با این همه کم و بیش ذوق و پسند برخی دیگر از خوانندگان را نیز راضی می‌کند فی‌المثل از نظر قالب‌ها، هر سه گونه تجربه (کهن، نو و آزاد یا سپید) را در آن می‌توان یافت. همچنین سه نسل از شاعران به‌گونه‌ای در کنار یکدیگر دیده می‌شوند و البته غلبه با نسل جوان‌تر میان هیجده تا سی سال است و تفاوت‌ها نیز در کار اینان آشکارتر. از همه این موارد که بگذریم، محور عمده این مجموعه دنبال کردن سیر تحول شعر در داخل و خارج افغانستان است که اگر از یکی دو تن مانند بارق شفیی که فقط یک شعر از آنها، آتهم با درونمایه فرهنگی نقل شده است (۱۵۴ - ۱۵۵) بگذریم، این دفتر جولانگاه این دو سیر به موازات یکدیگر، در داخل و خارج کشور است که فصل مشترک هر دو، بازتاب جنگ و اشغال و جهاد و مقاومت، یعنی ارزنده‌ترین تجربه اجتماعی و فرهنگی در تاریخ معاصر افغانستان، در سیزده سال اخیر می‌باشد.

رنگ بارز شعر مهاجرت تهییج، تشویق و تحسین تمام مردان و زنانی است که با استواری هر چه تمام‌تر با همه هستی خویش در برابر تجاوزی با آن ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایستاده است. حضور شعار که در چنین هنگامه‌ای بسیار کارساز است در بیشتر اشعاری ازین دست طبیعی و پذیرفتنی است؛ اما در میان همین گروه از اشعار، قطعات و آثاری می‌توان یافت که مرزهای شعار را درنوردیده و از آن سوی شعار، ماندگارترین آثار شعری این دوره را از نظر زبان و تخیل و تصویر و قالب آفریده است، اینگونه آثار به سبب برخورداری از محتوای گسترده و شکل و زبان و تخیل، از حوزه عاطفی فردی شاعر فراتر رفته و خواست‌ها و آرزوها و تأثرات اکثر مردم افغانستان را در بر گرفته است (۲۴۸ - ۲۵۰). وجود برخی از عناصر دینی، ملی و تاریخی و حتی جغرافیایی که درین نمونه‌ها جنبه نمادین یافته است دامنه تأثیر کلام را تا دور دست‌ها می‌گستراند و به گونه‌ای دیگر مخاطبان خویش را برمی‌انگیزد. این خصوصیات را بیشتر در اشعاری می‌توان یافت که محدوده کارکرد آن از نظر زمانی همان ده سال اشغال است. آنچه که در سال‌های پس از اخراج دشمن متجاوز سروده شده است، بیشتر بر محورهای وحدت، اتفاق و اتحاد و پاسداری از دستاوردهای سال‌های پرافتخار مقاومت و جهاد و آرزوی بازگشت به میهن و احساس غربت در معنی بارز عاطفی و ملی آن دور می‌زند که از جنبه‌های مختلف قابل تفسیر و تحلیل است و البته نمونه‌های کمتری از نوع اخیر درین مجموعه وجود دارد و نمونه‌های بیشتر آن را در دفترهای شعر شاعران و آنچه که انجمن اسلامی شعرای مهاجر افغانستان در مشهد

منتشر کرده است، می‌توان دید که به گونه‌های مختلف عواطف شاعران مهاجر را به خود مشغول کرده است.

اما آنچه که در داخل افغانستان در همین محدوده زمانی سروده شده است به صورت عمده در قالب نو و از نظر زبان شعری با شعر مهاجرت متفاوت است، در عین آن که از عناصر تشویق و انگیزندگی و پایداری و مقاومت لبریز است، کمتر شعاری و بیشتر هنری و ادبی است و به سبب حضور دشمن و چشم و گوش‌های او در سانسور، از رمزوارگی، ابهام و ابهام و در نتیجه از تراحم تصویر برخوردار است، عناصر تاریخی و ملی به صورت نمادین در آنها دیده می‌شود. موضوع غالب در اشعار شاعران داخل که ناظر و شاهد ویرانگری‌ها و بیداد مهلک اشغالگران بوده‌اند، گزارش شعری این ستمبارگی‌ها و دژخویی‌ها و ددمنشی‌هاست که در قالب و شیوه مناسب روایی گنجانیده شده است. انتخاب این شیوه خود نشانه آگاهی بر کارکرد حوزه عاطفی شعر است که نمونه‌های آن را در صفحات (۱۳۶ - ۱۴۱ و ۲۶۱ - ۲۶۳) می‌توان دید. در کنار روش روایی در پاره‌ای از موارد شاعران، گزارش این سوز و سازها را در قالب فشرده‌تر جای داده‌اند (۳۳، ۴۰ - ۴۱، ۱۸۱ - ۱۸۲، ۱۹۶ - ۱۹۷، ۲۰۰ - ۲۰۲...). آرزوی پیروزی، رسیدن به بامدادان روشن آزادی، بیان پایداری و مقاومت از موضوعات اساسی شعر داخل افغانستان است که در شب دیرباز ده‌ساله، باور استوار آنان را بارور می‌کند.

تنها چیزی که در شعر هر دو گروه، داخل و مهاجران، وجود ندارد یأس و نومیدی است و چگونه می‌تواند این عنصر، شعر شاعران ملّتی را بی‌الاید که حماسه‌های سترگ آفریده‌اند و دشمنی با آن‌همه بانگ و برق هول را هر روز با شکست و خفتی تازه مواجه کرده‌اند و بی‌اعتنا به ناباوری‌های جهان، با وجود آن‌همه نابرابری، در برابر دشمن، چون کوه پای فشرده و از سر یک خار خویش نگذشتند؟! درین میدان هر خار خنجر خشمی بود که بر دل و دیده خصم فرومی‌آمد. اینان با همان باور و یقین محتوم به پیروزی شعر سرودند که پدران، مادران، برادران و خواهران‌شان در میدانهای جهاد و مقاومت، از روستا و شهر تا دشت و درّه و کوه ایستادگی کردند، هر دو از همدیگر الهام گرفتند و البته در داد و ستدی اینچنین جایی برای یأس و نومیدی باقی نمی‌ماند. داوری‌های دوستان و دشمنان که از نهانخانه فرهنگ پر بار آنان بی‌خبر بودند و همه چیز را با معیارهای رئالیسم سوسیالیستی و جامعه‌شناسی اقتصادی اندازه می‌گرفتند، کمترین فتوری در عزم استوار و ایمان پایدار آنان پدید نیاورد. درین فرهنگ، فقر فخر بود و قبیله و ایل، بلیه و سیل و پراکندگی جمعیت در سطح روستاها نعمت، شهرها و شهرنشینان نیز که سرشت فرهنگی خویش را از دست نداده‌اند با روستاها و شهرها در براندازی دشمن بر سر رقابت!!

باری آنچه این بار در جامعه افغانستان و از جمله در شعر و ادب آن رخ داده است به دلایل و

اسباب بسیار، به شعور و آگاهی و بیداری و باور منجر شده است و همین عوامل به تنهایی کافی است که جامعه و شعر و ادب و هنر او را از درون متحول سازد. تجربه این سیزده سال بدون تردید، آن مایه عاطفه و تخیل و معنی و مضمون در حوزه ادبیات دری پدید آورده است که بتواند آن را در مسیر پویایی و دگرگونی به پیش ببرد و افق‌های تازه‌ای پیش روی آن بگشاید، علی‌الخصوص که درین مدت گروهی در عرصه شعر و ادب ظهور کرده‌اند که با آن که در مراحل آغازین تجربه‌های ادبی قرار دارند از تجربه درد و سوز کارساز برخوردارند و پیش از آن که شعر را اکتساب کرده باشند آن را لمس و احساس کرده‌اند. این تجربه به معنای شناخت نو از توانایی‌ها نیز هست که به موازات شناخت توانایی‌های دیگر به دست آمده است و زمینه‌بازینی همه‌جانبه را در شئون مختلف اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، ادبی و فرهنگی پدید آورده است. بی‌گمان این بازجست و شناخت در درازمدت همه آنچه را که از شعر و ادب انتظار می‌رود بدان خواهد داد. هم‌اکنون این خون تازه در رگهای زبان و ادبیات دری افغانستان جاری شده است و به یمن همین نیرومندی، اندک‌اندک از تفتن‌های سنتی و تقلیدی دور و به مرزهای آگاهی و هدفمندی و تحول‌پذیری نزدیک می‌شود، به همین سبب با آن که هنوز جوان است، جز در موارد معدود تکراری نیست و از آن‌سوی شعار با شعور در تمام ابعاد آن درآمیخته است و این هنوز از نتایج سحر است.

نمونه‌های شعر امروز افغانستان چهارمین مجموعه از برگزیده‌ها و نمونه‌های شعر معاصر افغانستان است که در ایران منتشر شده است. پیش از ذکر نام مجموعه‌های دیگر و مؤلفان آنها بایسته است از روایت‌های امیدوار هراتی که در لباس تجارت، کار فرهنگی انجام می‌داد یاد کنم. ایشان نخستین بار به انگیزه آشنایی بیشتر برادران هم‌زبان و هم‌فرهنگ ایرانی با شعر معاصر افغانستان، به سرمایه شخصی خویش در حدود چهل سال پیش ازین، مجموعه اشعار استاد مسلم شعر و ادب معاصر افغانستان، استاد خلیل‌الله خلیلی را در ایران منتشر کرد. استادان بزرگی چون استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، دکتر لطفعلی صورتگر و استاد سعید نفیسی و چند تن از شاعران معاصر ایران بر آن کتاب مقدمه‌های نغز و پرنکته نوشتند. امیدوار هراتی پس از آن به انتشار مجموعه رباعیات استاد خلیلی به نام پیوند دلها همت گماشت. نگارنده نیز در سال ۱۳۴۹، برگزیده‌ای از شعر معاصر افغانستان را در تهران منتشر کرد. نمونه‌های شعر دری به همت دکتر ناصر امیری‌هروی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران؛ شعر مقاومت افغانستان به کوشش محمدکاظم کاظمی و محمدآصف رحمانی از انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰ و اشک قلم، مجموعه شعر، دو شماره تا مردادماه هفتاد، از انتشارات انجمن اسلامی شعرای مهاجر افغانستان در مشهد، از دیگر نمونه‌های آثار ادبی افغانستان‌اند که در ایران

منتشر شده‌اند. دکتر سید سلطانه‌لی رضوی غزنوی در سال ۱۳۵۷ نمونه‌هایی از نثر دری را که شامل «سی قصه» می‌شود منتشر کرد. این کتاب نیز در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است.

علاوه بر این، تعدادی از متون نظم و نثر فارسی دری که به وسیله استادان و محققان افغانستانی تصحیح و حاشیه‌نویسی شده است از دهه چهل به این سو به وسیله دانشگاه تهران، بنیاد فرهنگ ایران و بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی چاپ و منتشر شده است که خود گامی استوار در تحکیم پیوندهای فرهنگی و مبادله تلاش‌ها و تحقیقات در زمینه فرهنگ مشترک به شمار می‌آید. برخی ازین آثار، در سال‌های پس از انقلاب، البته به دلیل نیاز محققان و علاقمندان، بدون اطلاع و اجازه مصححان و مترجمان، تجدید چاپ شده است که گاه مانند دیوان یدل تصحیح شادروان خلیل‌الله خلیلی به همان صورت و با قید نام مصحح بدون تصرف تجدید چاپ شده است و گاه با افزودن یکی دو صفحه مقدمه با قید نام مقدمه‌نویس یا نام همت و اهتمام او، بدون حکم و اصلاح و افزودن هیچ عنصر تازه‌ای، با همان حروف چینی چاپ افغانستان به صورت افست تجدید چاپ شده است مانند طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری که با مقدمه و اهتمام آقای آهی به بازار آمد. زین‌الاجبار گردیزی و طبقات نامری که هر دو از تصحیحات و حواشی و تعلیقات شادروان استاد عبدالحی حبیبی بود، نیز سرنوشت مشابه طبقات یافت و کتاب سرگذشت پیر هرات، تألیف دویرکوی و ترجمه دکتر عبدالغفور روان‌فرهادی نیز در کنار ترجمه دیگر او از سرگذشت حلاج یا مصائب حلاج، درین سال‌ها در بازار گرم چاپ، بدون اطلاع و اجازه مترجم تجدید چاپ شد و البته روان‌استاد عبدالحی حبیبی و خاطر دکتر روان‌فرهادی از چنین اهمی شاد و خرسند است! از همه این موارد که بگذریم هم انتشار این تحقیقات و هم تجدید چاپ آن به هر صورت گواه صادق ضرورت مشارکت و بهره‌گیری فارسی‌زبان‌های هر دو کشور در هر چه بارورتر کردن زبان، فرهنگ و ادب فارسی دری، میراث گرانقدر مشترک ماست و هر چه بر آگاهی و اطلاع ما از تلاش‌های سازنده محققان و استادان و شاعران و ادیبان و نویسندگان هر دو سوی افزوده شود، به همدلی‌ها و سازواری‌ها افزوده خواهد شد. نسل‌های امروز و فردای ما مدیون کسانی خواهند بود که در هموار کردن این راه با آگاهی و بینش به کارهای دیرپای و سودمند فرهنگی پرداخته‌اند.

۱ - مجموعه ایران‌شناسی که به همت دکتر چنگیز پهلوان تدوین شده، از انتشارات «به‌نگار» است. عکس‌ها را آقایان دکتر پهلوان و بهمن جلالی گرفته‌اند. سال گذشته عکس‌هایی را که جوان علاقمند به فرهنگ مشترک آقای رضا برجی از داخل افغانستان گرفته بود در «خانه سوره» و سپس به هنگام برگزاری سومین مجمع جهانی شیعیان افغانستان در سالن مرکز تحقیقات و آموزش وزارت کار و امور اجتماعی مشاهده کردیم که بار فرهنگی بالایی داشت.